

فرصت‌ها و تهدیدهای تحول آفرینی در سال ۹۹

تقریباً ۴ ماه از آغاز سال ۹۹ گذشته است. قرائن و شواهد پیداست سالی سرنوشت‌ساز و جهت‌دهنده و تعیین‌کننده را سپری خواهیم کرد. شناخت بیشتر فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی ما برای اتخاذ مواضع بهتر و صحیح‌تر کمک خواهد کرد. با هم مروری به این فرصت‌ها و تهدیدها خواهیم داشت.

سال ۹۹؛ سال تحول خواهی و تحول آفرینی

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در ۱۴ خرداد امسال، موضوع تحول خواهی و تحول آفرینی را با تکیه بر مکتب امام خمینی مطرح کردند. مطرح کردن موضوع تحول در سال ۹۹ که آخرین سال قرن شمسی و در آغاز قرن شمسی جدید است، آن هم از سوی حکیم بصیر و هوشمندی چون امام خامنه‌ای بدون حکمت نیست. طرح تحول خواهی در این سال از سوی ایشان قطعاً با عنایت به ظرفیت‌های موجود در کشور و مردم و نیروهای انقلابی انجام شده است. این مهم باید ما را به تامل بیشتر و تحرک افزون‌تر وادار کند. فهم درست تحول و فهماندن آن به مخاطبان عام و خاص، فهم الزامات و دشواری‌های تحول، درک دقیق عوامل و شرایط تحول و

موانع آن و ارتباط تحول‌خواهی و تحول‌آفرینی با ایران قوی، سوق دهد و به مواضع و سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی و راهگشا بکشاند. در این باره چند محور اصلی به نظر می‌رسد:

فرصت‌های سال ۹۹ با نگاهی دیگر

یک- سال ۹۹ را با اوج‌گیری کرونا- میهمان ناخوانده‌ی زیست بشری - آغاز کردیم. بزرگترین تهدید را تا حدود زیادی با همکاری مردم و مسؤولان مدیریت کردیم. اگرچه نقائص و کاستی‌هایی وجود داشته و دارد اما مشارکت فعال مردم، انتشار عطر مواسات و همدلی مومنانه بهترین و زیباترین تصاویر انسانی و اخلاقی را پیش روی جهان قرار داد و نشان داد که چگونه می‌توان بزرگترین تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد.

دو- در خرداد ماه امسال، مجلس یازدهم با ترکیب جوان و آرایش انقلابی و تحول‌خواهی آغازبکار کرد و امیدها را به اصلاح و تحول بیش از پیش تقویت کرد. بهمین جهت از همان روزهای اول مورد هجوم بی‌امان استکبار رسانه‌ای و پیاده نظام داخلی‌اش قرار گرفته است.

سه- عملکرد خوب و عدالت‌محورانه و فسادستیزانه قوه قضائیه و ورود این قوه در حوزه‌های حقوق شهروندی، حمایت از تولید و کارآفرینی و خصوصا اصلاح و تحول از درون، موجب شده است تا در نظرسنجی‌های مختلف این قوه و رئیس محترم آن نصاب بالایی از اعتماد را در حساب نظام اسلامی ذخیره کند.

چهار- فراهم شدن مقدمات دولت جوان حزب الهی و تقویت قوه مجریه در سال ۹۹ اتفاق خواهد افتاد و ثمرات آن در بهار ۱۴۰۰ نمودار خواهد شد.

پنج- تاب آوری بی نظیر و صبر و شکیبایی کم نظیر و بصیرانه، بهترین و مظلوم ترین و مقتدرترین مردم تاریخ در برابر تحریم های فزاینده و به زعم دشمن فلج کننده و آشوب آفرین و نیز بی تدبیری ها و ضعف های آشکار مدیریتی دولتمردان، که حکایت از بصیرت ملت آگاه ما دارد، از فرصت های بزرگ و بی بدیل است.

شش- نمایش قدرت بازدارندگی نظامی ایران انقلابی و تأثیر مستقیم آن در اقتصاد، نمایش عینی و پاسخ عملی به شبهه ها و سئوالات زیادی بود که منجر به تنویر افکار عمومی، تقویت غرور ملی و خنثی کردن شبهه سازی ها شد و فرصت نمایی جدیدی را پدید آورد.

هفت- شکست های راهبردی آمریکا در منطقه و عجز از تشکیل جبهه متحد و ائتلاف سازی منطقه ای بر علیه ایران و عدم نیل به هدف گذاری های شیطانی اش در پروژه بی دولتی در کشورهای مقاومت و زمین گیر شدن عربستان و ارتجاع منطقه در یمن، که به تقویت عمق راهبردی ایران انجامیده است نیز از فرصت های تعیین کننده در سال ۹۹ و پس از آن خواهد بود.

هشت- شکست رژیم صهیونیستی در تشکیل دولت قوی در داخل و عقب نشینی او از طرح شیطانی معامله قرن و الحاق کرانه غربی را باید در فهرست شکست های استکبار قرار داد.

نه- وضعیت درهم ریخته آمریکا و اروپا و مشغولیت آنان به کرونا و مدیریت افتضاح و رسواکننده‌ی مدعی دولت‌های قدرت و مدیریت، بهترین زمان برای اغتنام فرصت جهت قوی شدن ایران انقلابی است.

ده- شرایط بحرانی و اوضاع نابسامان آمریکا که ازسویی درگیر جنبش‌ها و اعتراضات سیاهپوستان و رنگین پوستان محروم و عموم مردم آمریکاست و از دیگر سو با انتخاباتی سخت و دشوار و آینده‌ای مبهم در صورت بندی قدرت، دست به گریبان است، طبعاً دولتمردان نادان آمریکا را در این فرصت بیشتر به خودشان مشغول کرده و خواهد کرد.

یازده- تحریم‌های ظالمانه‌ی آمریکا به علاوه شرایط به وجود آمده در بازار نفت به خاطر کرونا و اقتصاد کرونایی جهان، موقعیت مناسب تری را برای آزادسازی دست و پای اقتصاد ایران از نفت و تحقق اقتصاد بدون نفت فراهم کرده است.

دوازده- نیروی جوان و مومن و انقلابی فراوان در قالب جمعیت‌ها، انجمن‌ها، گروه‌های جهادی عمرانی، تبلیغی، علمی، فرهنگی، تشکل‌های مردمی و بسیجی، شرکت‌های دانش‌بنیان که در آزمون‌های دشوار سال‌های اخیر پیروز و سربلند به میدان آمده و مانده‌اند.

همه این فرصت‌ها البته مرهون لطف الهی و عنایات مهدوی و هدایت‌های رهبر حکیم انقلاب اسلامی است.

تهدیدهایی که پیش روی ما است!

طبیعی است که دشمن که مظهر شیطان بزرگ است از این فرصت‌های بزرگ و مزیت‌های انحصاری ملت ایران هم عصبانی شود و هم چشم طمع به آن بدوزد و بکوشد تا آن قوت‌ها را به ضعف و فرصت‌ها را به تهدید تبدیل کند.

ما باید با درک درست و تصویر روشن از دشمن و برآورد فکر و اندیشه و اقدام و عمل او حرکت کنیم. نه مرعوب قدرت و تهدید او شویم و نه شیفته پیروزی و اقتدار خودمان. شیطان درست از نقطه‌ای که تصور می‌کنیم نقطه قدرت ما است حمله خواهد کرد. با این نگاه مهم‌ترین تهدیدهای پیش رو و خصوصا در ماه‌های آینده را چنین می‌توان برشمرد:

اول- نظام مدیریتی و نظارتی ضعیف در قوه مجریه که بخشی از آن به‌خاطر دیوانسالاری به میراث مانده از طاغوت و عدم رفع و علاج آن در طول دهه‌های گذشته است. حقیقت این است که دیوانسالاری کهنه، نظام اداری فرسوده و ساختارهای معیوب مدیریتی، عیب بزرگی است که همه مجالس و دولت‌ها و جناح‌ها در آن سهیم هستند. نظام اداری و قوانین قدیمی و بروز نشده و البته نظارت‌های ناکارآمد موجب بروز پدیده زشت و ننگین فساد اداری و اقتصادی می‌شود و اعتمادها را می‌سوزاند.

دوم- دولت کنونی و گرفتاری برنامه‌گی‌ای ناشی از پیوند دادن همه مشکلات به رفع مشکل هسته‌ای و اجرای برجام و نیز ضعف برنامه‌ای، ضعف و قصور در هماهنگی،

ضعف روحیه جهادی در دولت کنونی باعث شده است شرایط نابسامان اقتصادی تشدید شده و شرایط را برای سوء استفاده دشمن فراهم تر سازد.

سوم- سیاست‌ها و طراحی‌ها و برنامه‌های شیطانی استکبار رسانه‌ای غرب و صهیونیسم در جنگ روانی و نرم و تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای به باورها و محاسبات و رفتارهای مردم و مسئولان با راهبردهای عملیات ادراکی، نبرد روایت‌ها و جنگ هویتی از جمله این تهدیدها است.

چهارم- تحركات عناصر خودباخته، بریده و پشیمان- سابقاً انقلابی - و فسیل‌های سیاسی در تبرئه‌سازی خود از قدرالسهم تقصیرات و سیاه‌نمایی اوضاع کشور و ادراک‌سازی دروغین از آینده با انگاره‌سازی‌های کاذب از شرایط پیش رو و پیوند زدن آن به سازش با دشمن!

پنجم- ضعف بنیه فکری و معرفتی و سیاسی نیروهای انقلابی و عمل‌زدگی مفرط و فرار از فعالیت‌های عمیق معنوی و معرفتی که منجر به کنش‌ها و واکنش‌های عجولانه، احساسی و عصبی می‌شود که نمود آن در فهم و رفتار غلط در انقلابی‌گری، عدالت‌خواهی و تحول‌آفرینی در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود و موجب انتقادات رهبر حکیم انقلاب اسلامی شده است.

شش- فقدان یا ضعف در آرایش جبهه‌ای و قرارگاهی، مشغول شدن به آرماها و نسیان آرمان‌ها،

فقدان و ضعف نگاه برنامه ای، میدان ندادن به نیروهای کارآمد از غیر گروه خود، محدود ماندن حلقه‌ی یاران و ضعف در جذب حداکثری، از جمله این تهدیدها است. این تهدیدها البته همیشه بوده و هست اما توجه به آن در سال ۹۹ که سال تعیین کننده‌ای و باید به تحولات بزرگ در این سال و سال آینده منجر شود لازم‌تر و بایسته‌تر است.

چگونه در جنگ روایت‌ها پیروز شویم؟

ماه‌های گذشته و خصوصاً دو ماه اخیر، سراسر جهان و به‌خصوص ایران انقلابی میدان جولان رسانه‌ها و خبرسازی‌های مختلف و متنوع و تحیرزا است. تمام این خبرسازی‌ها که بخشی از جورچین جنگ ترکیبی استکبار بر علیه جبهه جهانی مقاومت است با محوریت تهاجم بر ایران شکل می‌گیرد. جنگ روایت‌ها، قطعه‌ای مهم از این جورچین تهاجم است. شناخت درست و دقیق این جنگ و ابعاد آن و تطبیق آن در میدان و عرصه‌ی زندگی روزانه کمک زیادی به موضع‌گیری دقیق و رفتارهای عقلانی و انقلابی می‌کند. این مقاله، با نگاهی به حوادث و رویدادهای اخیر و تلاش دشمن بر موج‌سواری بر این حادثه‌ها به موضوع نقش خرده‌روایت‌ها و کلان‌روایت‌ها و تأثیرات آن در وضعیت کنونی می‌پردازد.

عطش خیریابی با خبرسازی جعلی و بزرگ‌نمایی خبری کاذب! در این روزها اخبار زیادی را در بخش‌های مختلف و مناطق مختلف کشور شنیده و خواهیم شنید. به برخی از نمونه‌های مهمی که فضای رسانه‌ای کشور را فراگرفت توجه کنید:

- ۱- در حادثه‌ای مشکوک در مرز ایران و افغانستان بیش از پنجاه مهاجر افغانستانی کشته شده و پیکرهای به آب انداخته می‌شود. این موضوع دستمایه‌ی جنگ رسانه‌ای و ایجاد اختلاف بین دو ملت برادر و همسایه می‌گردد.
- ۲- دادگاه اکبری به‌عنوان یکی از افتخارات قوه قضائیه و نظام برگزار می‌شود. فضای رسانه‌ای دشمن با غفلت بسیاری از دوستان ناآگاه، به جای تحسین این حرکت انقلابی، تمام توجهات را به سمت وسوی رییس سابق قوه قضائیه می‌برد و تلاش می‌کند نقطه قوت قوه را نقطه ضعف جلوه دهد.
- ۳- جسد قاضی منصوری در جلوی هتلی در رومانی پیدا می‌شود و باچندعکس و تصویر مبهم تحلیل و گزارش‌های مختلف شروع می‌شود.
- ۴- خبری مبنی بر اجاره پشت بام مطرح شده و با طرح عنوان «پشت بام اجاره‌ای» جوسازی‌های مختلف انجام می‌گیرد.
- ۵- در گیلان قتل با داس و در کرمان قتل با تبر دو دختر توسط پدرانشان تبدیل به موضوع اول کشور می‌گردد.
- ۶- فضای مجازی با استفاده از بی‌نظارتی دستگاه‌های مسؤول تبدیل به آشفته بازار ارز و سکه و ماشین و زمین و مسکن می‌شود.
- ۷- آتش‌سوزی‌های عمدی و سهوی در جنگل‌ها، مراتع، باغات؛ ساختمان‌های اداری و پزشکی و نیروگاه‌ها و کارخانه‌ها، حلقه‌های یک سری عملیات هوشمندانه دشمن جلوه داده می‌شود.

۸- زنجیره نامه‌نگاری‌ها و توثیق‌زنی‌ها و مصاحبه‌های جنجالی و تحریک‌آمیز آغاز شده و اوج می‌گیرد.

۹- خبر گران شدن بنزین علیرغم تکذیب‌های مکرر مسؤولان دائما تکرار می‌شود.

۱۰- خبر دروغ تصویب مالیات بر سهام عدالت منتشر شده و ضریب داده می‌شود.

۱۱- حوادث عراق و لبنان و سوریه به گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویا جبهه مقاومت در حال عقب‌نشینی و سقوط است.

۱۲- در این خبرسازی‌ها سردار قآنی و سردار حاجی زاده دائما به شهادت می‌رسند!!

چنانچه ملاحظه می‌کنید، برخی از این اخبار درست است و واقعیت دارد و بعضی جعلی و کذب است. در این شرایط راهبرد «گرسنه‌سازی خبری» در دستور کار قرار می‌گیرد به گونه‌ای که اولین سؤال در محافل و جلسات و دورهمی‌ها می‌شود؛ چه خبر؟!

برای پاسخ به این نیاز ساختگی و رفع گرسنگی خبری، خبرسازی جعلی و بزرگ‌نمایی اخبار درست در دستور کار قرار می‌گیرد. بسیاری اخباری که در بالا خواندیم درست است و حکایت از وضعیت نابسامان اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دارد. کسی نمی‌تواند و نباید منکر آن بشود، لکن سیاه‌نمایی و دروغ‌سازی حکایت دیگری دارد. مثلا در حادثه قتل دو دختر گیلانی و کرمانی، اساسا سربریدن کذب بوده و قتل با تبر نیز دروغ است! اینجا درشت‌نمایی خبر بجای درست‌نمایی

خبر انجام شده است. در حادثه قتل قاضی منصوری در حالی که متهم اصلی آن دشمنان هستند اما انگشت اتهام به سمت نظام نشانه می‌روند. یا خبر پشت بام اجاره‌ای دارای ابهام است و در صورت درست بودن موردی و نادر است.

چگونه خرده روایت‌ها تبدیل به روایت غالب می‌شود؟

جنگ روایت‌ها قدرت تولید معنا و محتوا و روایت آن در زمان مناسب با روایت اول و جذاب و هنرمندانه است. جنگ روایت‌ها کشتار مجازی با کلمات و جملات و اخبار و تحلیل‌هاست. جنگ روایت‌ها جنگ بدون پیروزی است که رقیب و حریف و دشمن برای ضربه زدن به طرف مقابل به انتشار هدفمند اخبار و روایت و گزارش و تحلیل آن می‌پردازد.

در جنگ روایت‌ها؛ «کلان روایت‌ها» (آبر روایت‌ها) و «خرده روایت‌ها» وجود دارند. کلان روایت‌ها مفاهیم و گزاره‌های اصلی هستند و خرده روایت‌ها مصادیق آن‌ها. در این شرایط ابتدایک روایت کلان در نظر گرفته می‌شود؛ مثلاً: نظام انقلابی ایران ناکارآمد است! برای این که این کلان روایت در ذهن‌ها جایفتد باید خرده روایت‌ها با دو عنصر «قدرت برانگیختگی» و «قدرت توزیع‌شوندگی» روایت شوند. یعنی با هنرمندی و جذاب‌سازی همراه با سرعت دست به دست و مجلس به مجلس و محفل به محفل و کانال به کانال و گروه به گروه در فضای حقیقی و مجازی بچرخد و بگردد تا تبدیل به «روایت غالب» شود! در این میدان اخبار ساختگی و

درشت‌نمایی‌های ساختگی قطعات جورچینی هستند که تصویری دلخواه دشمن را از آینده کشور فراروی مردم قرار می‌دهد.

در واقع با ساختن خبر دروغ، بزرگنمایی خبر درست و کنار هم چیدن آن‌ها، یک روایت غالب شکل می‌گیرد؛ روایت غالب چیست؟ کشور به خاطر گفتمان مقاومت به بن‌بست رسیده و راهی جز مذاکره و سازش نیست؟! پرواضح است که این گزاره دروغ است و اساساً دو راهی معیشت و امنیت و مقاومت مصداق بارز دوگانه‌سازی‌های جعلی و دو قطبی‌های کاذب است، لکن در جنگ روایت‌ها اصلاً واقعیت و حقیقت مهم نیست! برای دشمن آنچه مهم است، نتیجه دلخواه است. نتیجه دلخواه استکبار تسلیم ملت ایران است و برای رسیدن به این هدف هر وسیله‌ای را به کار خواهد گرفت.

چگونه در جنگ روایت‌ها پیروز شویم؟

برای پیروزی در جنگ روایت‌ها باید به این نکات توجه کرده و به آن باور و التزام پیدا کنیم:

اول- ما پیروز جنگ روایت‌ها خواهیم بود.

درست است که دشمن جنگ سهمگین روایت‌ها را شروع کرده است اما، حرکت عمومی جهان به برکت انقلاب اسلامی که از الطاف الهی و عنایات مهدوی است به سمت حقیقت‌یابی و حقیقت‌خواهی در حرکت است. نمونه آن زمین‌گیر شدن غرب در مواجهه با بیماری کرونا است که تلاش چند دهه آن‌ها در روایت غلط از قدرت

غرب را چالش کشید. نمونه دیگر آن هدف قرار دادن عین‌الاسد و رسیدن کشتی‌های ما به ونزوئلاست که سازه‌های روایت استکبار از اقتدارش را فروریخت و از این نمونه فراوان است.

دوم- زاویه نگاه خود را تنظیم کنیم

باید زاویه نگاه خود را با افق نگاه امام مسلمین تنظیم کنیم. مثلاً این مهم است که تحرکات اخیر رژیم صهیونیستی و آمریکا و ارتجاع منطقه در آشوب‌سازی در عراق و سوریه و لبنان یا حملات آمریکا به حشد و رژیم صهیونیستی به سوریه و لبنان و غزه را چگونه تحلیل کنیم؟! نگاه واداده، این تحرکات را نشان قدرت استکبار می‌پندارد و نگاه انقلابی امام خامنه‌ای آن‌را نماد استیصال و درماندگی دشمن می‌داند. از نگاه ایشان این اقدامات منفعلانه است و از سرگیری و گنجی سیلی‌های مکرر مقاومت اسلامی است. این نگاه را باید تقویت کنیم و هنرمندانه رواج بدهیم.

سوم- زنجیره‌ی خبرسازی‌ها را پیگیری کنیم

اخبار زیادی منتشر شده و دست به دست می‌شود. قبل از آن‌که آن‌را ارسال کرده یا اعلام کنیم، زنجیره اخبار را تا رسیدن به منبع خبر یا مبدا ساخت و نشر خبر پیگیری کرده و پس از اطمینان از اخبار و تحلیل‌ها آن‌را نقل کنیم. در نقل اخبار مشکوک و مبهم و منقول از بیگانه اصل بر نادرستی است مگر اثبات شود. اصل بر شک و تردید است مگر اثبات شود.

چهارم- برآیند تحلیل و انتشار خبر ما چیست؟

بسیاری از ما در تحلیل‌ها، خطبه‌ها، سخنرانی‌ها اخباری منتشر می‌کنیم. باید هر از چندگاهی برگردیم و مطالب و بیانات خود را رصد و پایش کنیم. آیا برآیند خطبه و سخن و مطلب ما به تقویت نظام انجامیده یا تضعیف آن؟ نتیجه کار ما نشاط مردم است یا رخوت و سستی؟ با سخنان و مطلبمان امیدآفریده‌ایم یا یاس درو کرده‌ایم؟

پنجم- مخاطب ما فقط پای خطبه یا کانال ما نیستند!

ساده اندیشی است اگر تصور کنیم همین جمعیت کم یا زیاد پای خطبه و خطابه و دنبال‌کننده‌ی محدود شنونده‌ی ما است. امروز افکار عمومی و عامه مردم تحلیل‌ها و اخبار ما را می‌شوند و نتیجه می‌گیرند.

ششم- جدول اطلاعات دشمن را تکمیل نکنیم!

بیگ دیتا (big data) یعنی خروجی فراهم شده از اطلاعات و اخبار عادی و ساده و دم دستی مخاطبان و شهروندان یک کشور که به راحتی و بدون مانع گفته و نوشته می‌شود، دشمن اما با زرنگی آن‌ها را رصد می‌کند. مثلاً اخبار خطبه‌ها و مطالب ائمه جمعه قطعاً مورد رصد دشمن است. باید توجه کنیم او چه برداشتی از اصلی‌ترین تریبون‌های حاکمیتی خواهد داشت؟

هفتم- موضوعات را چندوجهی نگاه کنیم

در کشور ما حوادث مختلفی به وقوع می‌پیوندد. بدترین و ضعیف‌ترین نوع مواجهه، مواجهه یک وجهی و تک ساحتی است. مثلاً در تحلیل فضای کنونی اقتصادی یک افراط و تفریط وجود دارد. دولت و حامیان او تلاش می‌کنند تا مشکلات را به تحریم

نسبت دهند و برخی مخالفان دولت می‌کوشند عامل اصلی را دولت قلمداد کنند. نگاه چند وجهی یعنی؛ «باهم نگری علل و عوامل» و «تعیین کارشناسانه و منصفانه سهم هر عامل».

هشتم- همگی خودمان را سرباز جنگ روایت‌ها بدانیم

در جنگ روایت‌ها باید همه و همه خود را سرباز این جنگ بدانیم. اگرچه جنگ روایت‌ها بیشتر در میدان رسانه شکل می‌گیرد اما عینیت و بروز نتایج آن در کف میدان و میان زندگی روزمره مردم است. کسی نباید تصور کند سرباز جنگ روایت‌ها فقط اهالی رسانه‌اند! این تصور غلطی است. امروز همه اقشار مردم به‌ویژه همه انقلابیون از هرصنف و قشری سرباز این میدان جنگ هستند. باید این باور را در میان مخاطبان خود گسترش دهیم تا به احساس مسؤولیت عمومی منجر شود.

نهم- سنگر مقابله و مواجهه را درست انتخاب کنیم!

برای تبیین و بیان زمان و مکان و موقعیت و نحوه بیان و قالب آن مهم است. درست مثل انتخاب اسلحه و توجه به نحوه آرایش جنگی، انتخاب سنگر و نحوه حمله و دفاع است. مثلاً؛ خطبه‌ها در بیان تفصیلی مطالب جایگاه مناسبی نیست. یا حماسی سخن گفتن با احساسی و هیجانی سخنرانی کردن تفاوت دارد.

دهم- خرده روایت‌های انقلابی را دست کم نگیریم و هنرمندانه تبدیل به روایت غالب کنیم.

در حال حاضر خرده‌روایت‌ها و مصادیق فراوانی از کارآمدی و پیروزی نظام انقلابی در مقابله با استکبار وجود دارد. باید اخبار آن‌ها را به دست آورده و بازویه نگاه دقیق، هنرمندانه روایت کنیم. هم‌چنین خرده‌روایت‌های زیادی از شکست و انفعال دشمن در ایران و منطقه و جهان وجود دارد که باید آن‌ها را بدست آورده و جذاب و درست روایت کنیم. انشاء الله در این باره بیشتر خواهیم گفت.

نگاهی به خط رسانه‌ای دشمن در حادثه نطنز

سحرگاه روز پنجشنبه دوازدهم تیرماه ساعت ۱:۴۵ دقیقه بامداد، انفجاری در یکی از سوله‌های بیرونی مجتمع هسته‌ای شهید احمدی روشن (نطنز) رخ داد.

این مجتمع در ۱۶ خرداد سال ۹۲ و دو روز پس از دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر دستیابی ایران به تولید ۱۹۰ هزار سو، کلنگ زنی شده و ساخت آن شروع شد. با توافق برجام ساخت این سوله متوقف شده و مدتی بعد دوباره آغاز بکار کرده بود. این سوله، به ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته و نسل جدید اختصاص داشته و کار آن با سرعت پیش می‌رفت.

انفجار ایجاد شده نه خسارات جانی داشت و نه موجب آلودگی‌های رادیو اکتیویته گردید. البته خساراتی به سوله و تجهیزات داخل آن وارد گردید که اگرچه موجب توقف ساخت سانتریفیوژها می‌شود اما به‌خاطر توان ایران در ایجاد تاسیسات و تأمین تجهیزات مربوطه اختلال به‌وجود آمده در ساخت دستگاه‌ها به سرعت ترمیم خواهد شد. گفتنی است که این انفجار در غنی‌سازی هسته‌ای توقف ایجاد نخواهد کرد و فقط ساخت برخی دستگاه‌ها تا حدود دو ماه متوقف شده و پس از ترمیم سریع و

بهسازی و حتی توسعه سوله در اندازه‌ای وسیع‌تر عملیات ساخت سانتریفیوژها ادامه خواهد یافت.

از همان ساعات اولیه و صبح جمعه کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی هسته ایران با حضور و مصاحبه در کنار ساختمان سوله‌ی آسیب دیده، شایعات دشمن مبنی بر آلودگی منطقه را پاسخ داد. هم‌چنین، خسروی سخنگوی شورای امنیت ملی در روز جمعه ۱۳ تیرماه طی مصاحبه‌ای اعلام کرد، علت اصلی حادثه از همان صبح پنجشنبه معلوم شده ولی بنابه دلایلی از اعلام علت اصلی حادثه، خودداری می‌شود.

فرضیه‌های مطرح در باره حادثه

در باره این حادثه دو فرضیه اصلی مطرح است:

اول- طبیعی بودن حادثه به‌خاطر نقص ایمنی در تاسیسات برق و امکانات و یا خطای انسانی در بکارگیری نادرست ابزار و وسائل.

دوم- طراحی و توطئه دشمن برای انفجار سوله

در این فرض اصلی سه فرضیه فرعی متصور است و هر یک طرفدارانی دارد که بیشتر تابع فضاسازی‌های رسانه‌ای دشمن است:

فرضیه اول- حمله هوایی و بمباران سوله توسط هواپیماهای اف ۱۶ توسط رژیم صهیونیستی! این فرضیه تلاش دارد، قدرت و توان رژیم صهیونیستی در عرصه آفند الکترونیک و جنگ سایبری، بزرگ‌نمایی کرده و پدافند سایبری و هوایی و دفاع هوشمند ایران را از تاسیسات راهبردی مانند مجتمع نظنز زیر سؤال ببرد.

فرضیه دوم - حمله موشکی توسط موشک‌های کروز که دارای سر سنگینی نبوده و از توان حمله با زاویه بالایی را دارند. این موشک‌ها ۹۲۵ کیلومتر بُرد دارند و احتمالاً از یکی از مرزهای کشورهای همسایه مانند افغانستان (۸۰۰ کیلومتری) پرتاب شده‌اند.

فرضیه سوم - خرابکاری از درون سوله توسط عوامل نفوذی آمریکا و صهیونیزم. در این صورت نیز دو احتمال مطرح است:

۱. این خرابکاری با انتقال و جاسازی مواد انفجاری به سوله انجام شده باشد.

۲. این خرابکاری به مرور زمان با دستکاری در تجهیزات موجود انجام شده باشد.

با بررسی‌های انجام شده، تاحدود زیادی مشخص است که دو احتمال اول نزدیک به صفر است. حمله هوایی و بمباران چیزی شبیه طنز است. چگونه یک هواپیمای جنگی می‌تواند این مسیر طولانی را در خاک ایران طی کند و با شکستن همه حصارهای پدافندی به مجتمع نطنز وارد شده و فقط یک سوله را هدف قرار دهد؟ چرا اقدام به بمباران بخش اصلی مجتمع و دیگر سوله‌ها و ساختمان اداری و... نکند؟ با این کار امکان فضا سازی رسانه‌ای بیشتری برایش فراهم می‌شود.

هم‌چنین احتمال حمله موشکی نیز بسیار بعید است. زیرا عکس‌های منتشر شده از گوگل نشان می‌دهد انفجار به احتمال زیاد از داخل بوده است و نه بر اثر اصابت از بیرون.

از فحوای سخنان سخنگوی شورای امنیت ملی و رئیس و سخنگوی سازمان انرژی اتمی چنین برمی‌آید که؛ تنها احتمال نزدیک‌تر به یقین، احتمال خرابکاری توسط

عوامل نفوذی است. این اقدام- اگرچه نشان از وجود حفره‌های امنیتی و ضعف ما دارد- اما تا حدود زیادی هم طبیعی است. ایران نیز در موقعیت‌های زیادی هم بیشتر و هم بالاتر و قوی‌تر به منافع آمریکا و صهیونیست‌ها لطمه و ضربه زده و خواهد زد که در جای خود باید بدان پرداخته شود.

تبیین و ریشه‌یابی حادثه نطنز

در باره چرایی و تبیین این حادثه (بر مبنای احتمال سوم) پاسخ به چند پرسش روشن‌کننده است.

سؤال اول- چرا مجتمع هسته‌ای؟ پاسخ این که، استکبار از این اقدام سه هدف دارد: هدف اول- کوتاه مدت- نزدیکی به مهرماه ۹۹ و احتمال رفع تحریم تسلیحاتی ایران و شکست آمریکا از ایران و نیز انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و احتمال شکست ترامپ یک فرصت طلایی را از دست صهیونیست‌ها برای مهار ایران خواهد گرفت. هدف دوم- میان مدت- هدف قرار دادن امنیت ایران به عنوان امن‌ترین کشور منطقه. در این هدف دشمن می‌خواهد به دو هدف فرعی دست یابد؛ اولاً: مانند حمله به مجلس و رژه اهواز بگوید ما جنگ را داخل ایران کشاندیم و با حمله هوایی یا موشکی اقتدار امنیتی و تسلیحاتی و حتی علمی ایران را درهم شکستیم. ثانیاً- این حمله به مجتمع هسته‌ای که غنی‌سازی اورانیوم در آن انجام می‌شود و لذا علاوه بر تهدید امنیتی تهدید زیست محیطی هم محسوب می‌شود.

هدف سوم - جلوگیری از پیشرفت علمی کشور و بالابردن هزینه تکمیل چرخه‌ی پیشرفت هسته‌ای ایران. دشمن می‌داند که ساخت و پرداخت و انبوه‌سازی سانتریفیوژهای نسل جدید در دستیابی به تولید ۱۹۰ هزار سو، ایران را در تراز علمی و صنعتی در این عرصه و در جهان قرار خواهد داد و این به معنای شکست فاحش استکبار در یک جنگ ترکیبی دیپلماسی و رسانه‌ای و روانی در برابر ایران انقلابی و نشان از «ما می‌توانیم» ایران در عرصه هسته و علمی و فناوری که نماد قدرت هر کشور است خواهد بود. با این نگاه طبیعی است مکانی با اهمیت یک مجتمع هسته‌ای آن هم مجتمع شهید احمدی روشن - با مختصات راهبردی آن - مورد هدف حمله و خرابکاری واقع شود.

سؤال دوم - چرا این زمان انتخاب شد؟ پاسخ این سؤال مجال بیشتری می‌طلبد اما در چند نکته می‌توان به اختصار گفت: اول - این که آمریکا و صهیونیسم به خوبی می‌دانند نه توان و نه جرات حمله نظامی را ندارند.

دوم - فوآره‌ی تحریم‌ها به سقف خورده و به تدریج دارد تبدیل به فرصت سازندگی اقتصادی برای ایران می‌شود و ایران را به اقتصاد منهای نفت نزدیک‌تر می‌کند. سوم - مذاکره و توافق در ایران حتی از ناحیه حامیان قبلی آن، طرفداری ندارد. اکنون احتمال مذاکره از هر زمان دیگری کمتر و نزدیک به صفر است.

چهارم- فشارهای ایجاد شده در شورای حکام بدون اجماع و اتفاق لازم و عدم توفیق در شورای امنیت در مرحله اول تمدید تحریم ایران، فرصت‌ها را بر علیه آمریکا سوزانده است.

پنجم- می‌ماند یک نقطه! اثرگذاری فشار حداکثری از طریق اقتصادی و به اوج رساندن این فشار با موج سواری بر کم‌تدبیری‌های عمدی و سهوی و سوءاستفاده از جریان ایجاد شده از حوادثی نظیر آتش‌سوزی‌های زنجیره‌ای در نیروگاه برق و مجتمع پارچین و...

دشمن احمق صهیونیستی و دولت روبه افول آمریکا به زعم باطل خود می‌خواهد با مکمل‌هایی نظیر تخریب‌های مقطعی و محدود و آفرینش حوادثی از این دست، فشار حداکثری روانی خود را از راه ناامنی و تهدید امنیت مردم، بیشتر وارد کند تا در دو مقطع مه‌رماه (رفع تحریم تسلیحاتی ایران) و آبان ماه (انتخابات ریاست جمهوری آمریکا) به نفع خود بهره‌برداری کند.

خط رسانه‌ای امپراطوری رسانه‌ای صهیونیسم

از همان ابتدای وقوع حادثه خط تهاجم و آتشباری رسانه‌ای دشمن با میدان‌داری شخصی به نام «آیدی کوهن» مشاور رسانه‌ای نتانیاهو آغازبکار کرد. این خط رسانه‌ای محورهای زیر را دنبال کرده و خواهد کرد:

۱. تلاش برای بزرگ‌نمایی حادثه نظنز با دروغ پراکنی نظیر حمله هوایی و بمباران و حمله موشکی

۲. برجسته‌سازی توان سایبری و آفندی اسرائیل غاصب! این درحالی است که رژیم صهیونیستی با گنبد آهنینش توان دفاع از خود در برابر راکت‌ها و موشک‌های کوتاه برد فلسطینی‌ها و مقاومت لبنان را ندارد.

۳. تلاش برای برجسته‌سازی قدرت نفوذ رژیم صهیونیستی؛ این درشرایطی است که این رژیم جعلی بارها و بارها طعم نفوذ ایران در کابینه خود و در حساس‌ترین مناطق و زیرساخت‌های خود را احساس کرده و خواهد کرد.

چگونگی موضع‌گیری در حادثه نطنز

۱- همه باید بدانیم آنچه اتفاق افتاده حرکتی از روی استیصال و در محمصه افتادن دشمن است. مثلث عبری - عربی - غربی، روزی درصدد انحلال عمق راهبردی ایران و تغییر رژیم در ایران بود و تا هفت سال پیش این رویای آشفته را نزدیک به تعبیر می‌دید اکنون باید با حملات دزدانه به سردارمقاومت و بمباران‌های کور حشد عراق و ارتش سوریه و حملات شبانه به غزه احیای آبرو کند!

۲- نباید مغلوب روایت دشمن و اسیر جوسازی‌های آنان شد. دشمن در تلاش است با دروغ‌پردازی‌های خود، حوادث طبیعی دیگر را بسان زنجیره‌ای بهم‌پیوسته نشان داده و آن‌را محصول طراحی و نماد قدرت پوشالی خود جا بزند.

خوب است بدانیم حوادث پارچین و نیروگاه اهواز و آتش‌سوزی کلینیک تهران، همه محصول نقص ایمنی و حفاظت و ضعف مدیریت است. مثلا در حادثه نیروگاه اهواز ترکیدن ترانس برق به خاطر گرمای هواست که هر ساله اتفاق می‌افتد، این کار

نیاز به پیش‌بینی لازم و جایگزینی پیش‌دستانه قبل از وقوع حادثه دارد. آتش‌سوزی‌های سریالی در جنگل‌ها نیز بخشی، محصول گرمای هوا، قسمتی به‌خاطر زیاده‌خواهی‌های جنگل‌خواران و زمین‌خواران است و بخش دیگر دعوای و اختلافات قومی و البته مواردی هم موج‌سواری ضدانقلاب است که بسیار محدود است. لذا جز حادثه نطنز که باید ابعاد آن بررسی شود در هیچ حادثه دیگری ردّ پای خرابکاری نیست. البته ردّ پای ضعف و قصور اجرایی و مدیریتی هست.

۳- تا روشن شدن ابعاد حادثه نطنز از بیان موضوع در خطبه‌ها خودداری شده و پس از اطلاع‌رسانی توسط شورای عالی امنیت ملی و سازمان انرژی اتمی، در مجامع عمومی مطرح شود.

۴- درباره چرایی تاخیر اعلام موضع ایران باید به‌دو نکته اشاره کرد: اول این که ابعاد این حادثه باید بررسی دقیق‌تر شود. چنان‌چه فرضیه نفوذ و خرابکاری تقویت شود شناخت ردّپاها و عوامل اصلی و مباشر حادثه و امتداد و اتصال داخلی و خارجی آن مهم است. دوم این که: چنان‌چه این اقدام از سوی آمریکا یا رژیم صهیونیستی باشد باید برای اقدام متقابل و متناسب زمینه‌سازی شده و شرایط فراهم شود.

۵- شرایط کنونی که ایران علت حادثه را شناخته ولی اعلام نمی‌کند، دشمن را در موقعیت تعلیق و اضطراب و تردید و تحیر برای اقدام‌های بعدی قرار می‌دهد. ایران تاکنون هم با این اقدام ابتکار عمل را بدست گرفته و در صورت اعلام علت حادثه، اقدامات بعدی و زمان و مکان و نحوه‌ی آن را تعیین خواهد کرد.